



حیدار رضائی جمعی از دانشجویان و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی با مقام معظم رهبری (۶ اردیبهشت ۱۴۰۱) | khameenei.ir

دغدغه‌های نگاه انقلابی به دانشگاه

گذر از دانشگاه و دانشمند مصرفی

برداشتی از سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار ماه رمضان بانمایندگان تشکل‌های دانشجویی

به‌طور طبیعی هر گونه تحلیل و تبیین رکنی از ارکان نهاد یا سازمان به کلیت آن سر بیان پیدا می‌کند، چون ارکان نهاد بر خلاف اجزای غیر رکنی آن، کلاف به هم پیچیده و یکپارچه‌ای هستند. درباره هر رکنی سخن به میان آید با سایر ارکان هم ربط پیدا می‌کند. دانشجویان، ارکان نهاد دانشگاه است. لذا اگر دانشجوی، موضوع گفت‌وگویی باشد، به‌طور طبیعی هر بحثی که پیش آید با سایر ارکان دانشگاه مانند رکن استاد و محتوای آموزش ارتباط پیدا می‌کند. در رمضان امسال، پس از دو سال وقفه کرونا یابی، سنت گفت‌وگوی رضائی ولی فقیه، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای حفظه‌الله با دانشجویان برگزار شد (۶ اردیبهشت ۱۴۰۱)، گرچه مخاطب ولی فقیه در این نشست معنوی، دانشجویان بودند، ولی بسیاری از مباحث طرح شده اختصاصی به دانشجویان دارد، بلکه کلیت «نهاد دانشگاه» را منظور دارد. از این رو، به‌عناایت به اهمیت و راهبردی بودن رهنمودهای رهبری، شایسته‌است که اولیا و مدیران دانشگاه تأملات جدی پیرامون آن به عمل آورند. نگارنده در این گفتار تلاش دارد به سهم خود، چنین تأملی را به‌جا آورد تا برداشتی از وظایف دینی و حاکمیتی خود را معلوم سازم.



دکتر داوود موهوزی ازدکان
 سرپرست سازمان سنت

دوری از رویکرد روزمرگی

انتظار درست از «حکمرانی دینی» این است که در پرداختن به موضوعات مهمی مانند دانشگاه، از نگاه راهبردی و کلان وارد گفت‌وگو شود و نه از منظر روزمرگی. زیرا در نگاه روزمرگی، مسائل مهم دیده نمی‌شود و امکان افق گشایی و راهی برای ترسیم آینده و حتی پیش‌بینی چالش‌های آتی و نقشی که می‌توان در آینده داشت، وجود ندارد. نگاه روزمرگی همان دم را غنیمت شمردن و سرگرم مسائل جزئی امروز شدن و سلب مسئولیت از وظایف کلنی و کلان است، اما مطلع بحث ولی فقیه بیانگر آن است که ایشان از رویکرد روزمرگی به شدت پرهیز دارد و همواره می‌خواهد از افق و منظر راهبردی در موضوع مهم دانشگاه مبتدأ شود. و اساساً اگر دانشگاه مهم باشد تا همین منظر به آن توجه کرد. رویکرد روزمرگی، دانشگاه را از اصالت و اهمیت می‌اندازد. لذا ولی فقیه سطح گفت‌وگو را بالا گرفته تا موضوع اهداف انقلاب اسلامی وارد بحث شده است، باید تحلیل مسائل دانشگاه را از نسبت با اهداف انقلاب اسلامی آغاز کرد. اهداف انقلاب اسلامی چیست و دانشگاه چه نسبتی با این اهداف دارد و نقشی که دانشگاه در آینده دارد چیست. پرسش ه‌اصورت‌بندی می‌باشد است که رهبری در ابتدای گفتارشان به آن توجه دادند.

دانشگاه از افق اهداف انقلاب

ولی فقیه مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی را وظایف جامعه ایرانی از استبداد و استعمار و تأسیس حکومت مردمی تفسیر کردند: «تبدیل حکمرانی فردی و استبدادی به حکمرانی مردمی؛ تبدیل تبعیض در سیاست‌های کشور و خراج از کشور به استقلال و هدف‌های مهمی که انقلاب داشت» (بیانات: ۱۴۰۷/۲/۶). ایشان از افق هدف تبدیل حکمرانی فردی / استبدادی به حکمرانی دینی / مردمی به موضوع دانشگاه نظر می‌کند. دانشگاه از این منظر، واقعیت انکارناپذیر است و ضرورت دارد. جامعه به دانشگاه نیاز دارد و بدون آن نمی‌توان جامعه را اداره کرد، اما دانشگاه مبتنی بر اهداف انقلاب است و تأسیس نشده‌است بلکه بر پایه حکمرانی استبدادی و اهداف استعماری تعریف و تأسیس شده است. آن نگاهی که نهاد دانشگاه مسلط بود و رسمیت داشت، نگاه انقلابی نیست. سرچشمه تولید از آن نگاه با عنوان «وایسگرا و ضد انقلاب» بود. دغدغه پیشرفت و ترقی را ندارد. توسعه همه‌جانبه جزو اولویت‌هایش نیست و نقش بالاصاله‌ای برای دانشگاه قائل نیست. عمده التفات این نوع نگاه آن است که متخصصانی در خدمت حاکمیت استبدادی و اهداف استعماری تربیت شوند. آن بخش از وظایفی که دیگر استعمار قادر نیست به‌شدت مستقیم اجرا کند، توسط تربیت‌یافتگان دانشگاه وابسته عملیاتی شود. از جمله این وظایف که پیش‌تر، عمدتاً توسط شرق شناسان انجام می‌شد، تولید فرهنگ تابعیت و غربزدگی و جامعه‌پذیری نظام سلطه است. در حالی که

منافع آنها را می‌چاپیند. در قرن بیستم یعنی بعد از حدود سه قرن، چهار قرن استعمار، به این نتیجه رسیدند که استعمار مستقیم دیگر جواب نمی‌دهد؛ یک سیاست جدیدی به‌وجود آمد و آن سیاست این بود که در کشورهای هدف، افرادی را تربیت کنند تا آن افراد، همان کاری را انجام بدهند که استعمارگر بنا بود انجام بدهد، همان حرفی را بزنند که او بنا بود بزند، همان اقدامی را در کشور انجام بدهند که استعمارگر بنا بود انجام بدهد؛ اصلاً هدف این است.» (بیانات: ۱۴۰۷/۲/۶)

چالش‌های سه‌گانه دانشگاه

«نگاه انقلابی» دانشگاه را واقعیت ضروری می‌داند ولی برای رسیدن به دانشگاه اسلامی و انقلابی با چالش بزرگ سیطره نگاه وایسگرا و ضدانقلابی مواجه است. این چالش بزرگ وجهه مختلفی دارد؛ یک وجه آن استبداد و استعمارزدگی آن است. اما وجه مهم دیگر مساله دانشگاه‌انگانه‌انقلابی نفی کارکرد اصلی دانشگاه است. دانش، قدرت تولید می‌کند و جامعه را توانمند می‌سازد و از وضعیت مصرف‌کنندگی به‌وضعیت‌تولیدکنندگی سوق می‌دهد. این مطلب، حقیقت انکارناپذیری است که اروپاییان بر آن واقفند و اساساً دانشگاه در نزد آنان به همین دلیل اهمیت پیدا کرده است. طبیعی است که مایل به تکثیر چنین دانشگاهی در سایر بزرگی جامعه‌های توسعه‌یافته‌ای باشند. ممالک اسلامی نشوند. چون دانشگاه واقعی برای مردم قدرت و استقلال می‌آورد و راه‌های وابستگی را مسدود می‌کند. بنابراین این وابستگی را اینکه نوع جامع دانشگاهی است، باید در نظر گرفت. در حالی که تولید علم هم مصرف‌کننده و پیرو باشد. برای وابستگی ملت‌ها به غرب، تنها «جامعه مصرفی» بودن کافی نیست بلکه «دانشمند مصرفی» و «دانشگاه مصرفی» هم لازم است. دانشگاهی که در تولید علم پیشرو است و اهل تقلید نیست، از مصرفی شدن جامعه جلوگیری می‌کند. به همین خاطر، از نگاه انقلابی، مابه دانشگاه پیشرو در تولید علم نباید از نگاه مصرفی، نیازمندیم. دانشگاه ایرانی پیش از انقلاب با نگاه تولیدکننده بودن تعریف و تأسیس نشده است. این چالش دیگری است که ولی فقیه استاد و دانشجویان متوجه آن کرده است: «یک چالش دیگر در مورد دانشگاه این بود که انقلاب به‌دانشگاه‌نگاه می‌کرد به‌عنوان مرکز تولید علم، مرکز رشد علم، برای اینکه بتوانند علم را پیش ببرند - اول یاد بگیرند، بعد تولید کنند و پیش ببرند - تا با دانش، اقتدار ملی را تأمین بکنند. چون دانش و علم، به یک ملت و به یک کشور اقتداری می‌دهد، قدرت می‌دهد؛ نظر انقلابی این بود. نگاه آن جریان وایسگرا و ضدانقلاب مطلقاً چنین چیزی نبود؛ اینها از دانشگاه این توقع را نداشتند که خود دانشگاه باید تولید علم بکنند؛ نه، آنها می‌خواستند که دانشگاه‌های ما - نه فقط دانشگاه کشور ما؛ کشورها هدف پس‌مانده‌های دانش غربی را فرابگیرند و در واقع، آن متاع از کار افتاده بی‌فایده یا کم‌فایده را یاد بگیرند و دستشان از تولید علم کوتاه‌بند.»

چالش سومی که ولی فقیه در مساله دانشگاه مطرح کرده است، چالش تربیتی و فرهنگی است. دانشگاه از نگاه انقلابی مرکز تربیت دینداری است. چون اساساً دینداری محصله و علم عنصر و ایام است. از این رو، فلسفه وجودی دانشگاه علاوه بر تولید علم، دینداری هم هست. اما نگاه وایسگرای ضد انقلابی دقیقاً با چنین تعریفی از دانشگاه مخالف است بلکه از این منظر، دانشگاه مهم‌ترین معبر برای دین‌گریزی است و دانشجو دین‌زدایی شده است. و این مساله، چالش بزرگی که نگاه انقلابی با دانشگاه است. به عقیده ولی فقیه، حکومت طاغوتی تلاش گسترده‌ای برای نین‌زدایی از دانشگاه به راه

دغدغه داشته باشیم» (بیانات: ۱۴۰۷/۲/۶).

توصیه‌های مقابله با هویت‌زدایی

ولی فقیه گفتارشان را با توصیه‌های مهم خطاب به دانشجویان تکمیل می‌فرمایند. این توصیه‌ها تماماً در جهت شکست پروژه هویت‌زدایی و آرمان‌زدایی از دانشگاه انقلابی است. البته نباید این نکته را از نظر دور داشت که گرچه خطاب رهبری با دانشجویان است؛ لکن این خطاب همه عناصر و عوامل فکری و تصمیم‌گیری دانشگاه را شامل می‌شود و اختصاصی به دانشجویان ندارد.

توصیه پرهیز از انفعال و ناامیدی

ولی فقیه در این توصیه را ذیل مفهوم دینی تقوا بیان کرده است. فی الواقع، ایشان مفهوم تقوا را آنچنان توسعه داده‌است که بتوان ذیل آن مسأله هویت‌زدایی از دانشگاه را مطرح کرد: «بنابراین از اولین مسأله‌ای که بنده توصیه می‌کنم این است که شما در این زمینه تقوا به خرج بدهید؛ تقوا به همان معنایی که من اینجا در دیدار کارگزاران گفتم؛ تقوا یعنی خود را مرتباً مراقبت کردن و مواظب بودن. مراقب خودتان باشید که دچار آس و ناامیدی و [اینکه] نمی‌شود و فایده‌ای ندارد و مانند این حرف‌ها نشوید.»

توصیه اندیشه‌ورزی

ولی فقیه در این توصیه به نکته ظریفی اشاره کرده است. نباید کار علمی و فکری را یکی تلقی کرد. کار دانشی همان چیزی است که در کلاس درس و آزمایشگاه انجام می‌شود. کار دانشی جزو نگرانه و محدود است بر خلاف کار فکری و اندیشه‌ورانه که کل نگرانه و هویت‌کاوانه است. این دونمی توانند جای یکدیگر را بگیرند. اگرچه دانش همواره به اندیشه‌ورزی نیاز دارد تا از گزند افکار پلید مصون بماند؛ «توصیه بعدی پرداختن به اندیشه‌ورزی است. ببینید در دانشگاه دو چیز لازم است: علم و فکر. علم بدون فکر مشکل ساز می‌شود، علمی که بدون فکر باشد، راه را غلط می‌رود؛ تبدیل می‌شود به سلاح‌های کشتار جمعی و سلاح‌های شیمیایی و بعضی از پدیده‌های علمی دیگری که به شریعت را دارد بدبخت می‌کند؛ علمی که فکر درست همراهش نباشد و بی فکر باشد ماله آب غلط حرکت کند این می‌شود.» «فکر «بایدها» و «نبایدها» را معین می‌کند، علم «واقعیت‌ها» را به ما می‌گوید، فکر «بایدها» را به ما می‌گوید، این خیلی حساس است». ایشان در این بحث از مرحوم آیت‌الله مصباح یزدی مثال می‌زنند: «مرحوم آقای مصباح (رضوان الله علیه) یک استاد فکر بود.»

مماس با مسائل کشور بودن

ولی فقیه از دانشجویان دانشگاهی می‌خواهد که در تحلیل و نقد مسائل کشور از دور نظر نهند بلکه باید در تماس و احساس نزدیک با مسائل کشور نظر کنند: «با مسائل کشور مماس بشوید. انسان [وقتی] مسائل کشور را از دور نگاه می‌کند، یک جور است، [اما] وقتی تماس با مسائل پیدا می‌کند، یک جور دیگر است؛ گاهی تفاوت می‌کند. حالا مسأله آب را یکی از دوستان مطرح کردند؛ مسأله آب یک مسأله‌ای است که وقتی وارد بشوید، تماس پیدا کنید، جست‌وجو کنید و تحقیق، به یک نتیجه‌ی می‌رسید که مثلاً با نتایجی که اینجا گفته شد تفاوت دارد.»

توصیه مطالعه‌گری

ولی فقیه توصیه به مطالعه‌گری را بر پایه هویت دانشجویان فرمودند. دانشجویان اساساً دانشگاه‌ها مطالعه‌گر است. دقیقاً دانشجویان دانشگاه‌ها در ذهن چنین خصیلتی محروم است. برای همین است که چنین دانشجویی هیچ‌سنگی نمی‌کند و مطالعه‌گر حقوق ملت خود نیست؛ «طبیعت دانشجویان مطالعه‌گر است؛ مطالعه‌گری کنید و از مسؤلان بخواهید که کار جدی بکنند؛ یکی از کارهای که شماها می‌توانید بکنید این است؛ شما برحذر بدارید مسؤلان را از کارهای نامشایی؛ از زوی خیرخواهی کارهای جدی و واقعی انجام بدهند؛ این یکی از مطالبات درست و بجای دانشجویان است که می‌توانند این را بخواهند.» (بیانات: ۱۴۰۷/۲/۶)

ایشان ذیل این توصیه به برخی از لوازم مطالعه‌گری اشاره کرده است.

توصیه به عدم مخرج مشترک با دشمن

باید مراقب بود که با دشمن هم مسیر نشویم. چون اگر این اتفاق بیفتد، آنکه به مقصود خود می‌رسد، دشمن ملت و دانشگاه ملی است و نه استاد و دانشجوی وطنی. لذا حتی در طرح مسأله هم نباید با دشمن مخرج مشترک پیدا کرد؛ «سعی کنید با دشمن وجه مشترک و نامشابه‌یاید کنید؛ مخرج مشترک پیدا نکنید با دشمن؛ [چون] او هم موضوعات را مطرح می‌کند دیگر، او هم مشکلات را مطرح می‌کند، هم صورت مسأله را از مطرح می‌کند، هم به اصطلاح ناآشنایی با مسئله‌ی خود را مطرح می‌کند. شما صورت مسأله‌تان هم با او باید فرق داشته باشید، نتیجه‌گیری‌تان هم با او باید فرق داشته باشد، چون او دشمن است دیگر، او مفرض خود را از زوی خیرخواهی انجام نمی‌دهد کار را.» ولی فقیه در ادامه این پنج توصیه که نسبت به هویت‌زدایی از دانشگاه، نقش بارز دارندگی بسیار زیادی دارد، به دو توصیه فعالیت‌یابی بین‌المللی دانشجویان و نیاز جمهوری اسلامی به این نوع فعالیت و نیز به‌کارگیری نیروی جوان مؤمن انقلابی در سطح مدیریت کشور اشاره فرمودند. به عقیده ایشان «بدون مدیریت جوانان و فره‌گیرنده و مؤمن کارها پیش نمی‌رود» (بیانات: ۱۴۰۷/۲/۶).

بنابراین، داشتن دغدغه دانشگاه، امر معقول و ضروری است. اما این دغدغه چه چیز می‌تواند باشد.

هویت‌زدایی از دانشگاه: مهم‌ترین دغدغه‌نگاه انقلابی

دغدغه نگاه انقلابی همان چیزهایی است که در ابتدای انقلاب با عنوان چالش دانشگاه مطرح شده بود. ولی فقیه در بیان‌اتشان از نگاه انقلابی نسبت به دانشگاه سه چالش اساسی «استبدادی و استعمارزدگی»، «مصرفی و وابسته بودن» و «دین‌زدایی» را مطرح کردند. ایشان این سه چالش را در مفهوم بی‌هویتی دانشگاه پیش از انقلاب گرد آوردند. نگاه انقلابی طی چهار دهه با هویت‌بخشی به دانشگاه و تولید دانشگاه ایرانی - اسلامی توانست دانشگاه را از این سه چالش اساسی برهاند. اکنون بعد این مدت، نگاه انقلابی دغدغه بازگشت همان سه چالش اساسی را دارد که دانشگاه را به بی‌هویتی گذشته سوق می‌دهد و دقیقاً به همین خاطر است که ولی فقیه نگاه ضد انقلابی را «وایسگرایی استعماری» خوانده است، چون نگاه ضد انقلابی مترقیانه و روبه جلو نمی‌اندیشد، بلکه خواهان بازگشت به دوران تاریک استبداد و سلطه استعماری است، بنابراین، ولی فقیه به‌طور طبیعی، دغدغه از بین رفتن هویت انقلابی دانشگاه ایرانی را دارد. هدف نگاه وایسگرا ستاندن هویت انقلابی از دانشگاه است. تنها راه بازگشت به دوران تاریک گذشته هویت‌زدایی از دانشگاه انقلابی

دانش، قدرت تولید می‌کند و جامعه را توانمند می‌سازد و از وضعیت مصرف‌کنندگی به وضعیت تولیدکنندگی سوق می‌دهد. این امر، حقیقت انکارناپذیری است که اروپاییان بر آن واقفند و اساساً دانشگاه در نزد آنان به همین دلیل اهمیت پیدا کرده است و طبیعی است که مایل به تکثیر چنین دانشگاهی در سایر بلاد غیر غربی، به‌ویژه ممالک اسلامی نشوند. چون دانشگاه واقعی برای مردم قدرت و استقلال می‌آورد و راه‌های وابستگی را مسدود می‌کند. بنابراین این وابستگی را اینکه نوع جامع دانشگاهی است، باید در نظر گرفت. در حالی که تولید علم هم مصرف‌کننده و پیرو باشد. برای وابستگی ملت‌ها به غرب، تنها «جامعه مصرفی» بودن کافی نیست بلکه «دانشمند مصرفی» و «دانشگاه مصرفی» هم لازم است. دانشگاهی که در تولید علم پیشرو است و اهل تقلید نیست، از مصرفی شدن جامعه جلوگیری می‌کند. به همین خاطر، از نگاه انقلابی، مابه دانشگاه پیشرو در تولید علم نیازمندیم. دانشگاه ایرانی پیش از انقلاب با نگاه تولیدکننده بودن تعریف و تأسیس نشده است. این چالش دیگری است که ولی فقیه استاد و دانشجویان متوجه آن کرده است

انداخت، ولی در این هدف به موفقیت کامل دست نیافت. زیرا همین دانشگاه سکولار شده شهدای بزرگی را تقدیم انقلاب و نظام اسلامی کرده است؛ «یک مورد چالشی دیگر در مورد دانشگاه‌ها این بود که هدف انقلاب ایجاد دانشگاه‌متدین بود، که خود کشور وقتی می‌آید دانشگاه و چند سال در دانشگاه می‌ماند و بعد می‌آید بیرون، باید متدین بیاید بیرون، حتی متدین‌تر از وقتی که وارد دانشگاه شد، [اما] هدف آنها درست عکس این بود؛ آنها می‌خواستند از دانشگاه دین‌زدایی کنند و کردند. البته در این هدف خیلی موفق نشدند، اما هر کار توانستند کردند.» (بیانات: ۱۴۰۷/۲/۶)

تولید دانشگاه ایرانی - اسلامی

اکنون بعد از چهل و اندی سال که از مسلط شدن نگاه انقلابی بر دانشگاه می‌گذرد، طرح این پرسش جدی می‌شود که آیا نگاه انقلابی توانسته است بر سه چالش بزرگی که از نگاه وایسگرایی ضد انقلابی ناشی می‌شود یعنی چالش «استعمارزدگی» و «مصرف‌زدگی» و «دین‌زدایی» فائق آید و دانشگاه مردمی را بازسازی کند یا خیر؟ پاسخ ولی فقیه کاملاً واقع‌بینانه است. ایشان می‌آورند که موفقیت کامل را به‌دست نیاوردیم ولی در تحقق این هدف متعالی خیلی جلو آمده‌ایم: «انقلاب در چالش مربوط به دانشگاه به موفقیت‌های بزرگی دست پیدا کرد. نمی‌گویم دانشگاه را به کلی تبدیل کرد به یک دانشگاه مورد نظر انقلاب و اسلام، نه، چنین ادعایی را هیچ‌کس ندارد، اما توانست یک حرکت صحیح و محکم و مورد رضیانی را نسبت به دانشگاه در مقابل جریان ضد انقلاب انجام دهد.» کار بسیار سنگین و دشواری است و سه‌سادی امکان‌پذیر نیست. به‌ویژه که تولیدکنندگان فرهنگ و دانشگاه مصرفی در محیط دانشگاه حضور دارند و در ضحیت با نگاه انقلابی بیگار نشسته‌اند. بلکه به‌طور پیوسته در کار تدریس و تألیف و ترجمه کتاب‌های سکولار، فعال هستند. اما ولی فقیه از همین خدمات زیادی که فکر انقلابی برای دانشگاه کرده است، به مقوله هویت‌بخشی اشاره می‌فرماید: خدمت بزرگ نگاه انقلابی به دانشگاه همان هویت‌بخشی است. در واقع، دانشگاه کرده است، از انقلاب، هیچ تعریفی به‌دانشگاه ندادند و در این راه شهدای آزادی تقدیم کرده‌اند. لذا حق دارد که نگران از بین رفتن دستاوردهای خود نشود. برای این دغدغه‌مندی نسبت به دانشگاه امروز، دلایل زیادی وجود دارد. مهم‌ترین دلیل آن فعال بودن بنیادین نگاه وایسگرایی وابسته به غرب است. نباید گمان کرد که آنها کنار کشیده‌اند و دانشگاه را به حال خود رها کرده‌اند بلکه فعالیت‌یابی خود چندان شده است و روی اقدامات خود مطالعه می‌کنند و ائتاق فکر تشکیل می‌دهند: «آن سیاست نواستعماری که مختصر در دیرامان‌ها گفتم، همچنان پاربا ساز و دارد کار می‌کند. صرف دین‌زدایی برای قول خوشان «اتاق فکر» دارند فکر می‌کنند. بودجه می‌گذارند، کار می‌کنند روی دانشگاه ما. بنابراین اینها دغدغه داشت، هنوز چالش وجود دارد.» اما دلیل مهم‌تر برای دغدغه‌مندی این است که نگاه انقلابی دین‌زدایی نشده است و دانشگاه را توسعه داده است و از این جهت قابل قیاس با دانشگاه پیش از انقلاب نیست. همین امر، انگیزه نگاه وایسگرایی ضد انقلابی را برای بازگشت و سلطه بر دانشگاه بیشتر کرده است. اگر دانشگاه امروز به دست نگاه ضد انقلابی افتد، تأثیرات تخریبی آن بسیار گسترده‌تر و عمیق‌تر از پیش از انقلاب است: «اگر دشمن بتواند تخریب کند در درون دانشگاه پیش از انقلاب و در جرات بی‌هویتی به سری برود. آن عناصر هویت‌ساز در محیط دانشگاه قبل انقلاب مفقود بود. اما انقلاب اسلامی آن عناصر را برای تولید علم به ارمغان آورد. نگاه انقلابی از استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار این را داشت که غبار استبداد و استعمارزدگی و غربزدگی را از خود دور سازد. در تولید دانش از فرهنگ مصرفی و تقلیدی فاصله بگیرد. به خود باوراند که در تولید علم از اروپاییان هیچ چیزی کم ندارد. چنانکه ایرانیان در گذشته تمدن‌ساز بوده‌اند. نگاه انقلابی به دانشگاه آموخت که علم و دین هیچ تعارضی با هم ندارند و می‌توانند یکدیگر را پوشش دهند و حمایت کنند. صرف دین‌زدایی برای دانشگاه انتظار